University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514
Volume: 17 **Issue:** 42
Spring 2026

Article Type: Research Article **Pages:** 1-21

The Burden of Proof of Insanity in Iranian, French and American Law

Mohammad Abouata[1]

1. Associate Professor, Department of Law, University of Semnan, Iran abouata@semnan.ac.ir

Abstract

There are similarities and differences among legal systems regarding the burden of proof and method of proving insanity. In the law of the United States, the burden of proving insanity lies with the party asserting it, depending on the case, plaintiff, defendant, or accused. Although this issue, with some variations, has been accepted, it is not without exceptions. In certain situations, under statutory provisions or judicial precedent, the burden of proof, may be shifted. In French and Iranian criminal law, there is no general and explicit rule regarding the burden of proving insanity. In fact, although based on the relevant provisions, such as those in the civil code and laws governing non-contentious matters and criminal procedure, courts and prosecutorial authorities are assigned duties concerning the investigation of insanity, through hearing the statements of witnesses, reviewing medical records, and obtaining expert opinions in such a way that it suffices for a party to allege insanity, but the burden of proving this allegation is imposed on judicial authority, it can be inferred from the governing legal provisions, the burden of proving insanity at the time of performing legal acts or committing offenses, lies with the party asserting it. This inference may also be drawn, especially in criminal matters, from the obscure wording of Article 308 of the Islamic Penal Code, which was drafted under the influence of Shiite jurisprudence.

Keywords: *Insanity, mental disorder, proof, court, legal incapacity*.

Received: 2026/02/02 **Received in revised form:** 2026/05/07 **Accepted:** 2026/06/01 **Published:** 2026/06/10

DOI: 10.22034/Law.2026.70998.3585

Publisher: University of Tabriz law@tabrizu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۰۵۱۴
دوره: ۱۷، شماره: ۴۲
بهار ۱۴۰۵

مطالعات حقوق تطبیقی معاصر

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۱-۲۱

بار اثبات جنون در حقوق ایران، فرانسه و امریکا

محمد ابوعطا[۱]

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه سمنان، ایران abouata@semnan.ac.ir

چکیده

در حقوق کشورهای مختلف، در خصوص بار اثبات و شیوه‌های اثباتی جنون شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. در حقوق امریکا، بار اثبات جنون اصولاً متوجهٔ مدعی، یعنی حسب مورد، خواهان، خوانده یا متهم است. این موضوع، گرچه با اختلافاتی پذیرفته شده، اما بدون استثنا نمانده است و در شرایط خاص، به حکم قانون یا حسب رویهٔ دادگاه‌ها، موقعیت بار اثبات دگرگون می‌شود. در حقوق کیفری فرانسه و ایران، قاعدهٔ صریحی در مورد بار اثبات جنون مشهود نیست. در واقع، هرچند در قوانین مدنی، امور حسبی و دادرسی کیفری، تکالیفی برای دادسراها و دادگاه‌ها در خصوص تحقیق راجع به ادعای جنون از راه‌های استماع اظهارات شهود یا مطلعین، بررسی سوابق درمانی و به‌ویژه از طریق کارشناسی لحاظ شده است، به‌طوری که ظاهراً کافی است مدعی ادعای جنون کند، اما بار اثبات و احراز این ادعا، یکسره برعهدهٔ مرجع قضایی است. مستفاد از مفاد و روح قوانین کیفری حاکم بر ایران، بار اثبات جنون در زمان ارتکاب جرایم یا انجام اعمال حقوقی، اصولاً متوجهٔ مدعی است؛ چنان‌که برای نمونه، از عبارت غامض مادهٔ ۳۰۸ قانون مجازات اسلامی که با تأثیرپذیری از فقه امامیه تدوین شده است، این نکته در امور کیفری استنباط می‌شود. بنابراین، ضروری است قانون‌گذار این موضوع را به‌طور صریح و با لحاظ مقررات مربوط، در قوانین حاکم ذکر کند.

واژگان کلیدی: *اثبات، اختلال روانی، جنون، حجر، دادگاه.*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۵/۰۲/۱۷ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

DOI: 10.22034/Law.2026.70998.3585

ناشر: دانشگاه تبریز law@tabrizu.ac.ir

مقدمه

از منظر حقوق مدنی و امور حسبی، اثر بروز جنون بر اعتبار اعمال و تصرفات حقوقی و همچنین حمایت‌های قانونی و قضایی از اشخاص مجنون، قابل طرح است (مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۱۳ تا ۱۲۲۵ ق.م). از منظر حقوق کیفری، درصورتی که جنون فرد در هنگام ارتکاب جرم، به اثبات برسد، از مسئولیت کیفری معاف شده، ممکن است تحت تدابیر حمایتی و درمانی خاص قرار گیرد. در قوانین ایران تا زمان تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعریف مشخصی از جنون وجود نداشت. حسب مادۀ ۴۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴: «کسی که در حال ارتکاب جرم، مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد، مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد داشت...». مطابق بند «الف» مادۀ ۳۶ قانون مجازات مصوب ۱۳۵۲: «هر گاه محرز شود مرتکب، حین ارتکاب، به علل مادرزادی یا عارضی، فاقد شعور بوده یا به اختلال تام تمییز یا اراده دچار باشد، مجرم محسوب نخواهد شد...». بعد از انقلاب، در مادۀ ۲۷ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ چنین آمده است: «جنون حین ارتکاب جرم، به هر درجه که باشد موجب رفع مسئولیت کیفری است». در مادۀ ۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز همان تعبیر قانون قبل به‌کار گرفته شده بود. در نهایت، مادۀ ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، که با توجه به مبانی فقهی و ظاهراً با تغییراتی، از مادۀ ۱۲۲-۱ قانون مجازات فرانسه اقتباس شده است، چنین می‌گوید: «هرگاه مرتکب، در زمان ارتکاب جرم، دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوۀ تمیز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد». البته، نگاه فقهی و حقوقی به جنون، لزوماً مورد پذیرش علم پزشکی نیست؛ چه از این منظر، بیماری‌ها و اختلالات روانی مختلف، با عنوان جنون شناخته نمی‌شوند، بلکه عناوین و تقسیم‌بندی‌های خاص خود را دارند و اساساً واژۀ جنون، در علم پزشکی، واژه‌ای شناخته‌شده نیست[۱]. در واقع از دیدگاه روان‌پزشکی، اختلالات روانی از طریق دو سیستم عمده، شامل طبقه‌بندی سازمان بهداشت جهانی[۲] و طبقه‌بندی انجمن روان‌پزشکان امریکا[۳] تقسیم‌بندی می‌شوند. از این اختلالات، ازجمله

۱. مهدی صابری، *قانون و روانپزشکی*، (تهران: چاپ اول، ۱۳۹۴)، ص ۵۸.

2. ICD-10
3. DSM 5

می‌توان به اسکیزوفرنیا و اختلالات سایکوتیک[۴]، اختلالات دوقطبی[۵]، عقب‌ماندگی ذهنی[۶] و اختلال اضطراب منتشر[۷] اشاره کرد که البته هرکدام از این گروه‌ها نیز دارای زیرگروه‌های متعددی هستند[۸].

اما از لحاظ اثباتی، این موضوع در حقوق کشورهای مختلف، محل بحث است که آیا بار اثبات جنون، برعهدهٔ مدعی آن است یا این تکلیف و یا اثبات خلاف ادعای جنون، برعهدهٔ مقامات قضایی ذی‌ربط است؟ حقوق ایران و فرانسه، چارچوبی منجز و مشخص برای تبیین بار اثبات و روند اثبات جنون در امور حقوقی و کیفری درنظر نگرفته‌اند، به‌طوری که آثار این رویکرد، حسب مورد و البته به‌طور متشتت، در قوانین مختلف به‌ویژه قانون مدنی، قانون مجازات و قانون آیین دادرسی کیفری مشهود است. در مقابل، در حقوق امریکا، به شکلی واضح به این موضوع پرداخته شده است و ضمن بیان قاعده، موارد استثنا را به‌ویژه در امور کیفری بیان کرده‌اند. در این مقاله که به شیوهٔ توصیفی- تحلیلی و با گردآوری اطلاعات از منابع معتبر حقوقی و با استناد به قوانین لازم‌الاجرا در کشورهای موردنظر انجام شده است، مسئلهٔ اثبات جنون، به‌طور تحلیلی و تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است تا بتواند به شناسایی هرچه کامل‌تر موضوع انجامیده، حتی‌المقدور زمینه‌ای برای اصلاح قوانین ذی‌ربط کشور به‌دست بدهد. لازم به ذکر است که به جهت غنای بیشتر بحث و ورود دقیق‌تر به آن، ابتدا مختصری در مورد مفهوم جنون در حقوق کشورهای مورد مطالعه ذکر خواهیم کرد.

۱. اثبات جنون در حقوق ایران

در منابع فقهی، مفهوم جنون با عناوینی چون فساد و زوال عقل ظهور پیدا می‌کند. شیخ طوسی، جنون را به «زوال عقل» تعبیر نموده است[۹]. علامه حلی[۱۰] و شهید ثانی[۱۱]، عنوان «فساد

4. Schizophrenia Spectrum and Other Psychotic Disorders
5. Bipolar and Related Disorders
6. Intellectual Disability
7. Anxiety Disorder
8. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disordersn, (DSM-5) 2013

۹. محمد بن حسن طوسی، *النهایه*، (بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰)، ص ۷۳۳.

۱۰. یوسف بن مطهر حلی، *تحریر الاحکام*، (قم: موسسه صادق، چاپ اول، ۱۴۲۰)، ص ۳۴۵.

۱۱. زین الدین بن جبعی العاملی، *الروضه البهیه*، ج ۵، (قم: موسسه داوری، چاپ اول، ۱۴۱۳)، ص ۳۸۵.

عقل» را برگزیده‌اند. محقق ثانی نیز از تعبیر «اختلال و فساد عقل» بهره برده است[۱۲]. نراقی، جنون را بیماری معینی نمی‌داند، بلکه آن را اسمی برای تمامی بیماری‌های دماغی و روانی می‌پندارد که سبب اختلال و فساد عقل می‌شود. البته او معتقد است که جنون، دارای انواعی است[۱۳]. در عین حال، بسیاری از فقها در تبیین مختصات جنون، قید استمرار را نیز به تعریف خود افزوده، جنون را «فساد عقل مستمر» معرفی کرده‌اند و بدین‌سان ازجمله، اغمای ناشی از هیجان یا هر مرض خاص را از شمول تعریف جنون خارج دانسته‌اند[۱۴]. به‌نظر می‌رسد جنون، اسم علم برای مرض مشخصی نیست، بلکه مفهومی عام است که طیفی گسترده از بیماری‌های روانی شناخته‌شده در علوم پزشکی را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر، اوصاف مجنون می‌تواند در افراد و بیماری‌های مختلف، با علائمی متفاوت بروز کند، ولی عنصر «فساد و زوال عقل»، نقطهٔ تلاقی همهٔ این اختلال‌ها است.

مطابق قاعدهٔ کلی اثبات در قانون مدنی (مادهٔ ۱۲۵۷) و قانون آیین دادرسی مدنی (مادهٔ ۱۹۷)، در کلیهٔ امور و دعاوی حقوقی، هرکس مدعی وقوع جنون در زمان انجام اعمال حقوقی باشد، اصولاً اثبات این ادعا برعهدهٔ او است، به‌ویژه اینکه از سویی، ادعای جنون، خلاف «اصل عدم» است؛ به این معنا که اصل، عدم جنون در زمان انجام عمل و تصرفات حقوقی است، مگر اینکه خلاف این اصل یعنی وجود یا عروض جنون اثبات شود. از سوی دیگر، مادهٔ ۲۲۳ قانون مدنی که متضمن «اصل صحت» است، اشعار می‌دارد: «هر معامله که واقع شده باشد، محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود». در همین راستا، ازجمله مادهٔ ۱۲۱۰ قانون مدنی به‌صراحت مقرر می‌دارد: «هیچکس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ، به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد».

با وجود این، منطقاً اثبات جنون به‌عنوان یک عارضهٔ عقلی و روانی، از طریق غالب ادلهٔ اثبات دعاوی به شرح مندرج در قوانین پیش‌گفته، آن‌هم از جانب خود مجنون ممکن نیست. ازجمله نمی توان تصور کرد که جنون، از طریق اقرار شخصی که مدعی جنون است یا از طریق اسناد و

۱۲. نور الدین علی بن حسین عبد العالی کرکی، *جامع المقاصد*، ج ۱۳، (قم: موسسه آل البیت، چاپ دوم)، ص ۲۱۸.
۱۳. احمد بن محمد مهدی فاضل نراقی، *عواید الایام*، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷)، ص ۵۱۳.
۱۴. مقداد بن عبدالله سیوری، *التنقیح الرائع*، ج ۳، (قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴) ص ۱۷۹.

یا سوگند اثبات شود. با این وصف باید دید برای اثبات ادعای جنون، از چه ادله‌ای می‌توان استفاده کرد. پس از اینکه مادۀ ۱۲۱۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود: ۱- برای صغاری که ولیّ خاص ندارند. ۲- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها بوده و ولیّ خاص نداشته باشند. ۳- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها نباشد». مواد ۱۲۱۹، ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱، تکلیف اعلام وضعیت اشخاص مشمول مادۀ ۱۲۱۸ به دادستان جهت نصب قیم را حسب موارد برعهدۀ هریک از ابوین، اقربائی که با شخص محتاج به قیم در یک جا زندگی می‌کنند همچنین زن و شوهر نسبت به یکدیگر گذاشته است. مادۀ ۱۲۲۳ می‌افزاید: «در مورد مجانین، دادستان باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را به دادگاه مدنی خاص ارسال دارد. در صورت اثبات جنون، دادستان به دادگاه رجوع می‌کند تا نصب قیم شود...».

ناگفته پیداست که مراد از «خبره» در مادۀ ۱۲۲۳ قانون، همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی قدیم و فعلی ایران و البته بسیاری از قوانین، از او با عنوان «کارشناس» یاد شده است. چنان‌که مادۀ ۵۹ قانون امور حسبی نیز اشعار می‌دارد: «هرگاه صغیری که ولی خاص ندارد در زمان رسیدن به سن رشد،... مجنون باشد، قیم باید به دادستان، جنون... او را اطلاع دهد. دادستان پس از اطلاع از این امر، مکلف است در موضوع جنون... تحقیق نموده و دلائل آن را اعم از نظریات کارشناس و اطلاعات مطلعین و غیره به دادگاه بفرستد. دادگاه پس از رسیدگی و احراز جنون...، حکم به استمرار و بقاء حجر صادر می‌کند...». همان‌گونه که ملاحظه شد، قانون‌گذار در این ماده، دلایل اثبات جنون را اعم از «نظر کارشناس، اطلاعات مطلعین و غیره» دانسته است و به شکل حصری مندرج در مادۀ ۱۲۲۳ قانون مدنی که مشخصاً به نظر خبره اشاره کرده است سخن نمی‌گوید. در عین حال، در مادۀ ۵۷ قانون امور حسبی، این توسعۀ ادله و فرایند اثباتی افزایش یافته است و مقنن در حکمی کلی در خصوص اثبات حجر ازجمله جنون می‌افزاید: «در رسیدگی به درخواست حجر، دادگاه نسبت به اشخاصی که مجنون... معرفی شده‌اند، هر گونه تحقیقی که لازم بداند به عمل می‌آورد و می‌تواند اشخاصی که اطلاعات آنها را قابل استفاده بداند احضار نموده و یا برای تحقیق از اشخاص نامبرده نماینده بفرستد و پس از رسیدگی و تحقیقات لازم و احراز حجر، حکم به حجر می‌دهد و در صورت عدم احراز حجر درخواست حجر را رد می‌نماید». پرواضح است که عبارت «هرگونه تحقیقی را که لازم بداند»، با وجود عدم صراحت در ارجاع موضوع به کارشناس، ازجمله و به‌ویژه شامل آن نیز می‌شود.

به‌نظر می‌رسد از توجه به مقررات فوق نباید چنین برداشت کرد که اثبات جنون، اصولاً برعهدهٔ مقام و مراجع قضایی است، چراکه قاضی در فرایند اثبات کاملاً منفعل نیست و ازجمله حسب مقررات مربوط، او می‌تواند قرارهای اعدادی مثل استماع شهادت شهود، تحقیق محلی، ارجاع امر به کارشناس و به‌طور کلی، هرآنچه را که قانون به او اجازه داده است انجام دهد[۱۵]؛ امری که در مادهٔ ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی نیز به‌نوعی آمده است.

لازم به ذکر است که موضوع اثبات جنون، ممکن است بدون طرح در دادسرا که بیشتر جنبهٔ حمایت از محجور (مجنون)- اعم از متهم یا غیر آن- را دارد، مستقیماً در دادگاه صالح مطرح شود؛ مثلاً شخصی که با دیگری قراردادی منعقد کرده، مالی را به او فروخته است و متعاقباً بنابر شواهدی، در خصوص وضعیت سلامت روانی و عقلی خریدار در زمان عقد قرارداد دچار تردید شده باشد، می‌تواند نسبت به اقامهٔ دعوای اصدار حکم حجر (جنون) وی در دادگاه صالح، اقدام کند و طبعاً ارائهٔ ادلهٔ اثباتی مربوط، حسب قانون، برعهدهٔ خواهان (فروشنده) به‌عنوان مدعی است. یا در همین مثال، خریدار با این ادعا که به جنون ادواری مبتلا است و قرارداد در دورهٔ بیماری او واقع شده است، در زمان افاقه، اقدام به طرح دعوای اصدار حکم حجر خود کند. طبعاً در فروض یادشده، هدف این است که پس از صدور حکم حجر (جنون) و قطعیت آن در دادگاه عمومی حقوقی صالح، دعوای اعلامِ بطلانِ عقد بیع اقامه شود.

از منظر حقوق کیفری، در قانون مجازات اسلامی یا سایر قوانین مربوط، حکمی صریح مبنی بر اینکه به‌عنوان قاعده، متهم ملزم است مشخصاً هرکدام از ادعاهای دفاعی خود ازجمله عوامل رافع مسئولیت، مانند جنون را اثبات کند، وجود ندارد. در میان اندیشمندان نیز در این باب اختلاف وجود دارد[۱۶]. از سویی، حسب ظاهر ِپاره‌ای از مقررات، گویا تکلیف اثبات جنون متهم اصولاً برعهدهٔ مقام قضایی است. طبق مادهٔ ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری «هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات، احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به‌عمل می‌آورد، نظریهٔ پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون،

۱۵. باقر انصاری، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، (تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷)، ص ۱۳۹.

۱۶. محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۲ (تهران: سمت، ۱۳۷۹) ، ص ۸۳؛ منصور رحمدل، «قانون اساس و بار اثبات در امور کیفری»، *حقوق اساسی*، ش ۸، (۱۳۸۶)، ص ۵۱.

پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می‌فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنابر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می‌شود....». بدین‌سان در خصوص جنون مرتکب در زمان وقوع جرم، خواه از سوی متهم یا نمایندهٔ قانونی او به‌عنوان دفاع ادعا شود و ادله‌ای به‌ویژه سوابق درمانی و پزشکی نیز برای آن اقامه گردد و خواه مقام قضایی با توجه به محتویات پرونده، شخصاً آن را محتمل بداند، مقام یادشده ملزم است به شرح مندرج در مادهٔ ۲۰۲، نسبت به انجام تکالیف قانونی برای احراز جنون متهم عمل نماید. از سوی دیگر، ممکن است جنون متهم در مرحلهٔ تعقیب او احراز نشده، با جمع بودن شرایط قانونی، قرار جلب به دادرسی متهم نیز صادر شده باشد، اما در مرحلهٔ رسیدگی در دادگاه، مورد توجه دادرس قرار گیرد. در این خصوص مادهٔ ۳۷۰ قانون یادشده اشعار می‌دارد: «چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، احتمال دهد متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریهٔ پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، نسبت به اصل اتهام، به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت می‌کند و با رعایت اقدامات تأمینی برای متهم تصمیم می‌گیرد»؛ در واقع این حکم نیز در راستای حکم و استنباط یادشده است.

از سوی دیگر در برخی مواد قانون مجازات اسلامی، مانند مواد ۳۰۳ و ۳۰۹، حسب مورد، تکلیف متهم به طرح و اثبات ادعای دفاعی خود تصریح شده است. در عین حال، مفاد مادهٔ ۳۰۸ قانون، مشخصاً در مورد موضوع این تحقیق یعنی تحمل بار اثبات جنون قابل توجه است: «اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیلهٔ مقام قضایی، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولیّ دم یا مجنی علیه ادعاء کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقهٔ او از جنون سابقش انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعاء کند، ولی دم یا مجنی علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامهٔ بینه، قصاص منتفی است. اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افاقهٔ مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود. در غیر این صورت، با سوگند ولیّ دم یا مجنی علیه یا ولیّ او قصاص ثابت می‌شود». هر چند قسمت نخست ماده، بر اساس اصل استصحاب، تکلیف اثباتی را برعهدهٔ ولیّ دم یا مجنی علیه قرار داده است، اما در قسمت دوم ماده که حکم آن، ناظر

به فرض شایع و رایج استناد به دفاع جنون در جرایم مختلف در محاکم کیفری است، اثبات وجود جنون در زمان ارتکاب جرم، به‌صراحت برعهدهٔ متهم قرار داده شده است. بدین‌سان، در قانونی ماهوی و البته از حکمی غامض، حکم بار اثبات جنون در حقوق کیفری ایران، قابل استنباط به‌نظر می رسد.

۲. اثبات جنون در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، مواد ۱۲۲-۱ به بعد قانون مجازات، ذیل عنوان «اسباب عدم مسئولیت یا تخفیف مسئولیت»[۱۷]، به معرفی و تبیین احکام جنون، اجبار، اشتباه حکمی، امر آمر، دفاع مشروع و... اختصاص یافته است. حسب این ماده: « شخصی که هنگام وقوع عمل، دچار اختلال روانی یا عصبی- روانی بوده به نحوی که قدرت تشخیص یا قدرت کنترل اعمالش را ازدست داده باشد، از نظر کیفری مسئول نیست. شخصی که هنگام وقوع عمل، دچار اختلال روانی یا عصبی روانی‌ای بوده که به قدرت تشخیص او آسیب زده یا مانع تسلط او بر اعمالش شده باشد، از نظر کیفری مسئول باقی می‌ماند. اما دادگاه می‌تواند در هنگام تعیین کیفر و روند اجرایی آن، وضعیت یادشده را مد نظر قرار دهد...».

در مادهٔ یادشده، مقنن از اختلال روانی یا روانی- عصبی[۱۸] یاد کرده و آن را در دو قالب اختلال روانی یا روانی- عصبی تام و اختلال روانی یا روانی- عصبی نسبی معرفی نموده و آثار آن را نیز به شرح یادشده در ماده پیش‌گفته و سایر مقررات بیان کرده است. اما برخلاف قانون‌گذار ایران، از کاربرد واژه یا نامی خاصی که این آثار بر آن بار می‌شود و ما آن را در قوانینِ خود «جنون» می‌نامیم، پرهیز کرده است. به‌نظر می‌رسد، قانون‌گذار فرانسوی در گذر زمان و با اعمال اصلاحات در قانون مجازات، از کاربرد واژهٔ «دمانس»[۱۹] که آن را «زوال عقل یا اختلال و دگرگونی شدید قوای ذهنی که از نظر پزشکی ثابت شده و موجب اعمال نظام حمایت از منافع مدنی، سبب بطلان اعمال حقوقی و سقوط مسئولیت کیفری می‌شود» معنا کرده‌اند[۲۰]، امتناع نموده و عبارت «اختلال روانی یا عصبی- روانی که قوهٔ تشخیص یا کنترل اعمال را ازبین برده

17. Des Causes D'irresponsabilite ou D'attenuation de la Responsabilite
18. Trouble Psychique ou Neuropsychique
19. Demence
20. *Vocabulaire Juridique*, (Paris: Press Universitaire de France, 1997) p. 253.

یا تغییر داده» را به‌کار برده است[۲۱]؛ همچنان که در آرای مختلف صادره از محاکم تالی و عالی، به‌ویژه آرای دیوان کشور فرانسه، همین ترتیب دیده می‌شود[۲۲].

با همین رویکرد، مادۀ ۴۲۵ قانون مدنی که اولین مادۀ فصل «تدابیر حمایت حقوقی از کبار»[۲۳] است و به تبیین مقررات مربوط به امور حسبی محجورین غیر از صغار پرداخته است، چنین مقرر می‌دارد: « هر کس که نمی تواند منافع خود را به دلیل تغییر محرز پزشکی در قوای ذهنی یا جسمی خود به نحوی که مانع بیان ارادۀ او می‌شود تأمین کند، مشمول حمایتهای حقوقی مقرر در این فصل است...»[۲۴]. بنابراین، در حقوق فرانسه، مفهوم حقوقی واژه‌ای که ما آن را جنون می‌نامیم، مشخصاً مبتنی بر عناوین و معیارهای پزشکی است.

در خصوص تحمل بار اثبات وجود جنون در زمان انجام اعمال حقوقی، موضع حقوق فرانسه، از قانون مدنی قابل استنباط است. از سویی، مادۀ ۹ قانون آیین دادرسی مدنی به‌عنوان قاعدۀ عمومی اثبات دعاوی چنین مقرر می‌دارد: «هر یک از طرفین [دعوی] مکلف است مطابق قانون، واقعیت‌های لازم برای موفقیت ادعای خود را اثبات کند»[۲۵]. از سوی دیگر، مادۀ ۴۱۴-۱ قانون مدنی در خصوص ادعای جنون، اشعار می‌دارد: «برای انجام عمل حقوقی معتبر، شخص باید از سلامت عقل برخوردار باشد. اثبات وجود اختلال روانی در زمان انجام عمل حقوقی، برعهدۀ کسانی است که به این دلیل، درخواست ابطال می‌کنند»[۲۶]. در عین حال، در مواد ذی‌ربط قانون و

21. *lexique de Termes Juridiques*, (Paris: Dalloz, 2014), p.329.
22. Cass. Crim. 14 avril 2021, Pourvoi N 20-80135: Cite Par: https://justice.pappers.fr/decision.
23. Des Mesures de Protection Juridique des Majeurs
24. Art 425: "Tout Personne Dans L'impossibilite de Pourvoir Seule a Ses Interest en Raison D'une Alteration, Medicalement Constatee, Soit de ses Facultes Mentales, Soit de ses Facultes Corporelles de Nature a Empecher L'expression de sa Volonte, Peut Beneficier D'une mesure de Protection Juridique au Present Chapitre…"

در حقوق آلمان نیز همین رویکرد وجود دارد؛ چراکه با وجود رواج و دلالت الفاظی چون "Wahnsinn" و "Verucktheit" در معنای «جنون»، مقنن از استعمال این واژگان در قوانین پرهیز کرده و در مادۀ ۱۰۵ قانون مدنی، یکی از جهات بطلان اعلام اراده را وجود «اختلال ذهنی» (Storung der Geistestatigkeit) اعلام کرده است. در مادۀ ۲۰ قانون مجازات نیز عدم توانایی تشخیص غیرقانونی بودن عمل در اثر اختلال روانی آسیب‌شناختی (Krankhaften Seelischen Störung)، اختلال هشیاری عمیق، ناتوانی ذهنی یا هر گونه اختلال ذهنی جدی، سبب سلب مسئولیت کیفری اعلام شده است.

25. "Il Incombe à Chaque Partie de Prouver Conformément à la loi les Faits Nécessaires au Succès de sa Prétention".
26. "Pour Faire un Acte Valable, Il Faut Être Sain D'esprit. C'est à Ceux Qui Agissent en Nullité Pour Cette Cause de Prouver L'existence D'un Trouble Mental au Moment De L'acte".

رویهٔ قضایی نیز به نقش محاکم در روند احراز و اثبات حجر ازجمله اشخاص حجر مشمول مواد فوق و طبعاً وظایف و اختیارات گوناگون آن‌ها در این خصوص اشاره شده است. در واقع این دیدگاه، در راستای احکامی به‌ویژه مواد ۱۰[۲۷]، ۱۴۳ و ۲۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی است که به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد در چارچوب مقرر در قانون، هرگونه اقدامات و تحقیقات مقتضی راجع به موضوع دعوی را در جریان دادرسی انجام دهند. با وجود این، همان‌گونه که گفته‌اند، اقدامات مبتنی بر مقررات یادشده از قبیل استماع گواهی یا تحقیقات محلی، به معنای تحصیل دلیل به‌منظور اثبات ادعا از سوی دادگاه و نقض اصل بی‌طرفی مرجع قضایی نیست[۲۸].

در مورد تکلیف اثبات وجود جنون در زمان ارتکاب جرم، قانون مجازات اسلامی و قانون دادرسی کیفری فرانسه، حکم صریحی ندارند. از گذشته بین حقوق‌دانان در این مورد اختلاف وجود داشته است و مراجع قضایی کیفری نیز رویهٔ واحدی اتخاذ نکرده‌اند. در عین حال، دیوان کشور هم به‌صراحت در این باب اظهار نظر نکرده است[۲۹]. در ادامه به بررسی مقررات کیفری مربوط، به‌ویژه از منظر قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، می‌پردازیم.

حسب مادهٔ ۱۱۹-۷۰۶ قانون دادرسی کیفری: «اگر قاضی تحقیق، در پایان تحقیقات خود به این نتیجه برسد که شرایط اعمال بند نخست مادهٔ ۱-۱۲۲ قانون مجازات در مورد عدم مسئولیت شخص به دلیل اختلال روانی وجود دارد، با ارسال پرونده نزد دادستان شهرستان، به او اطلاع می‌دهد. همچنین در اجرای بند نخست مادهٔ ۱۷۵ این قانون، به طرفین پرونده نیز اطلاع می‌دهد. دادستان و طرفین پرونده می‌توانند خواستار رسیدگی شعبهٔ تحقیق شوند تا مطابق با مواد ۱۲۲-۷۰۶ تا ۱۲۷-۷۰۶، در مورد اجرای بند نخست مادهٔ ۱-۱۲۲ اظهار نظر کند». مادهٔ ۱۲۰-۷۰۶ نیز می‌افزاید: «وقتی که در جریان انجام تحقیقات، قاضی تحقیق پس از احراز اینکه ادلهٔ کافی مبنی بر ارتکاب اعمال ممنوع بوسیلهٔ شخص موردنظر وجود دارد، احراز کند که دلایل لازم برای اعمال بند نخست مادهٔ ۱-۱۲۲ قانون مجازات وجود دارد، در صورتی که دادستان شهرستان یا یکی از طرفین درخواست کنند، دستور می‌دهد که پرونده از طریق دادستان شهرستان، جهت

27. "Le Juge a le Pouvoir D'ordonner D'office Toutes Les Mesures D'instruction Légalement Admissibles".

28. Henry Solus et Roger Perrot, Droit Judiciare privé, Tome 3, procedure de premiere instance, (Paris: Sirey, 1991) p. 97.

۲۹. محمد آشوری، *پیشین*، ص ۱۱.

رسیدگی به شعبهٔ تحقیق ارسال گردد. خود قاضی تحقیق نیز می‌تواند راساً دستور این انتقال را صادر کند...». لازم به ذکر است که مراد از قاضی تحقیق[۳۰] در مواد پیش‌گفته، مقامی است که در حقوق ایران، بازپرس نامیده می‌شود و مطابق قانون، تحقیقات مقدماتی تمام جرایم را برعهده دارد.

طبق مادهٔ ۱۲۲-۷۰۶ قانون دادرسی کیفری: «هنگامی که در اجرای مادهٔ ۱۲۰-۷۰۶، رسیدگی به شعبهٔ تحقیق محول شود، رئیس آن مرجع، به درخواست مدعی خصوصی، دادستان شهرستان یا متهم، دستور حضور شخصی متهم را در شعبه صادر می‌کند مشروط بر اینکه وضعیت او اجازه دهد. اگر متهم، وکیل نداشته باشد، کانون وکلا به درخواست دادستان شهرستان، برای او وکیل تعیین می‌کند... نظر کارشناسانی که قبلا متهم را مورد معاینه قرار داده‌اند باید مطابق مادهٔ ۱۶۸ قانون، از سوی شعبه تحقیق استماع شود. همچنین به دستور رئیس شعبهٔ تحقیق، در جریان مذاکرات و مطابق مواد ۴۳۶ تا ۴۵۷ قانون، شهادت گواهان تعیین‌شده از سوی طرفین یا دادستان استماع می‌شود مشروط بر اینکه گواهی آنها برای اثبات اینکه آیا دلایل کافی علیه متهم مبنی بر ارتکاب اعمال ممنوع از سوی او وجود دارد یا برای احراز اینکه آیا بند نخست مادهٔ ۱-۱۲۲ قانون مجازات قابل اعمال است ضروری باشد...». لازم به ذکر است که مطابق مادهٔ ۱۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری «همه مراجع تحقیق و دادگاهها، در مواردی که موضوعی تخصصی مطرح شود، می‌توانند رأساً یا به درخواست دادستان یا یکی از طرفین، دستور کارشناسی بدهند...». با توجه به این مواد و بخش نخست بند دوم مادهٔ ۱۲۲-۷۰۶، استفاده از نظر کارشناسی، نه فقط در دادگاه، بلکه در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی به‌وسیلهٔ بازپرس نیز ممکن بلکه ضروری است. به عبارت دیگر، در احراز اختلال روانی متهم در زمان ارتکاب جرم که حسب مواد ۱۱۹-۷۰۶ و ۱۲۰-۷۰۶، به‌وسیلهٔ بازپرس به‌عمل می‌آید، طبق بند دوم مادهٔ ۱۲۲-۷۰۶، نظر کارشناسان که عملاً متخصصان روان‌پزشکی هستند، اهمیت شایانی دارد. منتها طبق همین بند، با اینکه نظر تخصصی آن‌ها پیش‌تر، یعنی در مرحلهٔ بازپرسی، أخذ شده است، در مرحلهٔ رسیدگیِ دادگاه نیز مجدداً نظرهای آنها استماع می‌شود.

اکنون باید دید، شعبهٔ تحقیق پس از رسیدگی به پرونده به‌ویژه پس از بررسی نظر

30. Juge D’instruction

کارشناسان و استماع گواهی شهود، چه اقدامی انجام خواهد داد. به‌موجب مادهٔ ۱۲۳-۷۰۶ قانون: «اگر شعبه تحقیق احراز کند که دلایل کافی علیه شخص موردنظر مبنی بر اینکه او مرتکب اعمال ممنوع شده است وجود ندارد، اعلام می‌کند که موجبی برای ادامهٔ تعقیب وجود ندارد» و طبیعتاً متهم آزاد می‌شود. حسب مادهٔ ۱۲۴-۷۰۶: «اگر شعبهٔ تحقیق احراز کند که دلایل کافی علیه شخص موردنظر مبنی بر اینکه او مرتکب اعمال ممنوع شده است وجود دارد ولی بند نخست مادهٔ ۱-۱۲۲ قانون مجازات قابل اعمال نیست، دستور فرستادن متهم نزد دادگاه صالح را صادر می‌کند» و نهایتاً مادهٔ ۱۲۵-۷۰۶ می‌افزاید: «در سایر موارد، شعبهٔ تحقیق رأی اعلامی مبنی بر عدم مسئولیت کیفری به سبب اختلال روانی صادر می‌کند...». لازم به ذکر است که همانند حقوق ایران، ممکن است موضوع جنون متهم، نه در مرحلهٔ تحقیقات بازپرسی و شعبهٔ تحقیق، بلکه حسب مورد (نوع جرم ارتکابی) در دادگاه جنایی[۳۱] یا دادگاه جنحه[۳۲] مطرح شود. در این مورد، به ترتیب، حسب مواد ۱۲۹-۷۰۶ و ۱۳۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مراجع یادشده پس از احراز ارتکاب جرم از سوی متهم و وجود اختلال در زمان ارتکاب، رأی به عدم مسئولیت کیفری او به سبب اختلال روانی صادر می‌کنند.

۳. اثبات جنون در حقوق امریکا

در فرهنگ حقوقی مشهور بلک، در تعریف «جنون»[۳۳] آمده: «هرگونه اختلال روانیِ به‌اندازهٔ کافی شدید که مانع از داشتن صلاحیت قانونی فرد شده، او را از مسئولیت کیفری یا مدنی معاف می‌کند»، و در ادامه افزوده است: «جنون» با عنوان «جنون حقوقی»[۳۴] هم خوانده می‌شود و در واقع یک اصطلاح و استاندارد حقوقی است نه پزشکی، و عموماً در جامعهٔ حقوقی از آن استفاده می‌شود[۳۵]؛ چنان‌که فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی امریکا دربارهٔ این واژه می‌گوید: «... متهمانی که بی‌گناهی آن‌ها به دلیل جنون ثابت شود، در برابر اعمالشان مسئولیت کیفری ندارند

31. Cour D’assises
32. Tribunal Correctional
33. “Pour Faire un Acte Valable, Il Faut Être Sain D'esprit. C'est à Ceux Qui Agissent en Nullité Pour Cette Cause de Prouver L'existence D'un Trouble Mental au Moment De L'acte”.
34. Legal Insanity
35. Henri Campbell Black, *Blacks Law Dictionary*, (New York: Thomson Reuters, 12th edition, 2018), p. 865.

و تشخیص اینکه فردی به معنای حقوقی مجنون است، از سوی قضات و هیئت منصفه صورت می‌گیرد نه روان‌شناسان یا روان‌پزشکان...»[۳۶]. در مقابل روان‌پزشکان نوعاً ذیل عنوانِ کلی «اختلال»، عناوین «اختلال ذهنی»[۳۷] «بیماری ذهن»[۳۸]، «روان‌پریشی»[۳۹] و «اختلال روانی- عصبی»[۴۰] را به‌کار می‌برند[۴۱]. در تعریف دیگر نیز چنین آمده است: «جنون بیماری روانی است که در آن، ادراک و رفتار شخص، به نحوی شدید مختل شده، در قبال اَعمال خود مسئول قلمداد نمی‌شود»[۴۲].

با توجه به اینکه نظام حقوقی کشور ایالات متحدهٔ امریکا، از میان دو نظام بزرگ حقوقی جهان، یعنی رومی- ژرمنی و کامن‌لا، در قالب نظام کامن‌لا قرار می‌گیرد، در گسترهٔ حقوق کیفری امریکا نیز با تأثیرپذیری از حقوق انگلیس، تعریف دقیقی از جنون وجود نداشته، صرفاً ضمن تأکید بر اینکه «جنون» در اصل، واژه‌ای حقوقی است و در عالم پزشکی جایگاهی ندارد، از گذشته با تکیه بر عباراتی مانند اختلال یا بیماری روانی، تعاریفی کلی و مجملی از این واژه بیان کرده، از استاندارد حقوقی «دفاع جنون»[۴۳] سخن گفته‌اند. بر این اساس، هرچند قبل از طرح پروندهٔ *مک نوتن* و تسری قواعد آن در کامن‌لا، در حقوق امریکا، معیارهای دیگری برای احراز جنون به‌کار برده می‌شد، اما همانند حقوق انگلیس، تحول مفاهیم و استانداردها در حقوق بسیاری از ایالت‌های امریکا نیز با پروندهٔ *مک نوتن* و قواعد مستخرج از آن آغاز شد. البته این پایان کار نبود و با انتقادات وارده به قواعد «مک نوتن»، به‌تدریج در مراجع قضایی برخی ایالت‌های امریکا، معیارهای دیگری پذیرفته شد. ابتدا در سال ۱۸۷۱، «معیار نتیجه یا قاعدهٔ دورام»[۴۴] در دادگاه عالی نیوهمپشایر به‌کار گرفته شد. طبق این معیار: «هیچ‌کس نباید از نظر کیفری به خاطر عملی که حاصل بیماری ذهنی او بوده است مسئول قلمداد شود». این معیار، با اقبال چندانی در سایر ایالات مواجه نشد و در سال ۱۹۷۲، از سوی دادگاه فدرال واشنگتن همانند محاکم بسیاری دیگر

۳۶. فرهنگ انجمن روانشناسی امریکا، ج ۱، (تهران: ارس، چاپ اول، ۱۳۹۱)، ص ۸۹۵.

37. Mental Disorder
38. Mental Illness
39. Psychosis
40. Neurosis
41. Elizabeth Cotrone, "*The guilty but mentally III verdict: assessing the imoact of informing juors of verdict consequences"*, a dissertation for the degree of Ph.D, Colleg of behavorial and Community Sciences, University of South Florida, (2016), p. 8.
42. Henri Campbell Black, *op.cit*, p. 251.
43. Insanity Defense
44. Product Test or Durham Rule

از ایالات امریکا کنار گذاشته شد.

ضابطهٔ بعدی، به «میل غیرقابل مقاومت»[۴۵] موسوم بود که نخستین بار در ۱۸۸۶ معرفی شد. این معیار بر این نکته متمرکز می‌شد که آیا بیماری یا نقص ذهنی، مانع کنترل متهم بر اعمال خود در زمان ارتکاب عمل شده است. این معیار تا سال ۱۹۹۰ اجرا می‌شد، اما از آن سال، دیگر به‌عنوان دفاعی انحصاری در این زمینه تلقی نشد. البته معدودی از ایالات هم این معیار را با قواعد مک نوتن ادغام کرده‌اند. در ادامهٔ این تحولات، مؤسسهٔ حقوق امریکا در سال ۱۹۵۵، قانون نمونهٔ کیفری را تنظیم کرد که متضمن معیاری دیگر در خصوص احراز جنون بود. طبق این معیار که در امریکا مقبولیتی زیاد پیدا کرد: «شخص از نظر کیفری مسئول نیست اگر در زمان ارتکاب عمل در نتیجهٔ بیماری یا نقص ذهنی، فاقد اهلیت اساسی برای ارزیابی جرم بودن عمل خود یا انطباق آن با شرایط قانونی باشد». این معیار تا سال ۱۹۸۴ در اغلب ایالات مورد استفاده قرار گرفت تا اینکه در سال ۱۹۸۴ و به‌دنبال پروندهٔ ترور ناموفق رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت امریکا، که متهم در دادگاه، مدعی جنون در زمان ارتکاب جرم بود، «قانون اصلاح دفاع جنون» به‌تصویب رسید که موجد معیاری دیگر در زمینهٔ اثبات جنون بود و ضمن نهادن بار اثبات جنون برعهدهٔ متهم، اثبات آن را از منظر پزشکی دشوارتر کرد.

در حقوق امریکا، برای بررسی موضوع نحوهٔ اثبات جنون، باید دو قانون مهم این کشور یعنی «قواعد فدرال دادرسی کیفری»[۴۶] و «کد ایالات متحدهٔ امریکا»[۴۷] را مورد توجه قرار داد. در ابتدا باید گفت با توجه به اهمیت موضوع جنون و دفاع مبتنی بر جنون در حقوق امریکا، مادهٔ ۱۷ فصل اول بخش ۱۸ کد ایالات متحدهٔ امریکا، با عنوان «دفاع جنون»، به همین مسئله اختصاص یافته است. مطابق قسمت«الف» مادهٔ یادشده: «اینکه متهم، در زمان ارتکاب اعمالی که جرم را تشکیل می‌دهند، در نتیجهٔ اختلال یا نقص روانی شدید، قادر به درک ماهیت و طبیعت یا غیرقانونی بودن اعمال خود نبوده است، یک دفاع اثباتی در برابر دادستان است...». در ادامهٔ قسمت «ب» این ماده نیز به‌صراحت مقرر می‌دارد: «بار اثبات دفاع جنون بر اساس دلایل روشن و قانع‌کننده، برعهدهٔ متهم است». بدین‌سان در حقوق امریکا، متهمی که مدعی است در زمان

45. Irresistable Impulse Test
46. Federal Rules of Criminal Procedure
47. Unites States of America Code

ارتکاب جرم، مبتلا به جنون بوده است، باید با توجه به معیار یادشده در مادۀ فوق و به‌طور قطعی و اقناع‌کننده آن را ثابت نماید.

در همین راستا به‌موجب بند «الف» مادۀ ۲-۱۲ قواعد فدرال دادرسی کیفری، «متهمی که می‌خواهد جنون در زمان ارتکاب جرم را به‌عنوان دفاع مطرح کند، باید این موضوع را در زمان مقرر و به‌طور کتبی به دادستان اطلاع داده، تصویر درخواست خود را به منشی دادگاه نیز ارائه کند. متهمی که به ترتیب یادشده اقدام نکند، نمی‌تواند از دفاع جنون بهره ببرد. دادگاه می‌تواند در صورت احراز عذر موجه، به متهم اجازه دهد که درخواست خود را با تأخیر ارائه کند، مدت بیشتری برای آمادگی محاکمه بدهد یا هر دستور مناسب دیگری صادر کند.» بند «ب» ماده نیز در تکمیل بند قبلی می‌افزاید: «اگر متهم قصد داشته باشد در مورد اختلال یا نقص روانی یا هر وضعیت روانی دیگر خود که به موضوع مجرمیت یا مجازات مربوط است، از دلیل کارشناسی استفاده کند، باید در زمان مقرر، قصد خود را به‌طور کتبی به دادستان اعلام کرده، تصویر درخواست خود را به منشی دادگاه نیز ارائه کند. دادگاه می‌تواند در صورت وجود عذر موجه، به متهم اجازه دهد که درخواست خود را با تأخیر ارائه کند، مدت بیشتری برای آمادگی محاکمه بدهد یا هر دستور مناسب دیگری صادر کند».

به این ترتیب، امکان استناد متهم به دفاع جنون در زمان ارتکاب جرم در دادگاه، منوط به اعلام کتبی موضوع به دادستان و دادگاه است و عدم رعایت این مقدمات قانونی، جز در موارد خاص، به سلب حق متهم در استناد به دفاع جنون منتهی می‌شود. در عین حال، طبق بند دوم ماده، متهمی که مدعی است در زمان ارتکاب جرم، دچار هرگونه اختلال یا نقص روانی بوده که طبق قانون، بر احراز عدم مجرمیت یا نوع و مقدار مجازات او مؤثر است و برای اثبات ادعای خود، درخواست استفاده از نظر کارشناس را داشته باشد، باید با رعایت تشریفات مقرر در قانون و پیش از برگزاری جلسۀ رسمی دادرسی، منظور خود را به دادستان و دادگاه ذی‌ربط اطلاع دهد. اکنون باید دید بعد از وصول درخواست‌های متهم چه اقدامی انجام می‌شود.

طبق بند «الف» مادۀ ۴۲۴۲ فصل ۳۱۳ بخش ۱۸ کد ایالات متحدۀ امریکا: «به محض وصول درخواست مقرر در مادۀ ۱۲-۲ قواعد فدرال دادرسی کیفری مبنی بر اینکه متهم قصد دارد به دفاع جنون استناد کند، دادگاه، به درخواست دادستان، دستور می‌دهد که از متهم، معاینۀ

روان‌پزشکی یا روان‌شناختی[۴۸] به‌عمل آید و گزارش آن... به دادگاه ارائه شود»[۴۹]. بند «ب» ماده نیز مقرر می‌دارد: «اگر موضوع جنون از طریق مذکور در مادۀ ۲-۱۲ قواعد فدرال دادرسی کیفری به درخواست متهم یا دادستان مطرح شود، هیئت منصفه و در صورت محاکمۀ بدون هیئت منصفه، دادگاه باید متهم را ۱- مجرم یا ۲- غیرمجرم یا ۳- غیرمجرم فقط به دلیل جنون اعلام کند».

همان‌گونه که از ملاحظۀ مواد قانونی فوق استنباط می‌شود و البته رویۀ قضایی امریکا نیز بر آن صحه گذاشته، در حقوق این کشور، بار اثبات دفاع جنون به متهم واگذار شده است. در عین حال، درصورتی که دلایل متهم به‌ویژه گزارش کارشناس مبنی بر وجود عارضۀ جنون در زمان ارتکاب جرم از نظر دادگاه، قانع‌کننده به‌نظر برسد، این دادستان است که باید فراتر از هرگونه شک و تردید معقول، دفاعیات متهم را نقض کرده، مجرمیت او را نزد دادگاه ثابت کند[۵۰].

لازم به ذکر است که در رویۀ قضایی امریکا، به‌طور استثنایی در پروندۀ سوء قصد جان هینکلی[۵۱] به جان رئیس‌جمهور وقت امریکا، رونالد ریگان، در سال ۱۹۸۲، با طرح ادعای جنون از سوی وکلای متهم، بار اثبات سلامت روانی او که مورد تردید قرار گرفته بود، از سوی هیئت منصفه و دادگاه، برعهدۀ دادستان قرار گرفت[۵۲] و از آنجا که دادستان موفق به اثبات سلامت روانی جان هینکلی در زمان حادثه نشد، درنهایت با احراز جنون از سوی هیئت منصفه، او به بیمارستان روانی دولتی واشنگتن فرستاده شد. با توجه به بازتاب این موضوع در جامعۀ حقوقی امریکا، دو سال بعد، «قانون اصلاح دفاع جنون»[۵۳] از تصویب کنگره امریکا گذشت که در راستای سخت‌تر کردن صدور رأی عدم مجرمیت به دلیل جنون، به‌صراحت بار اثبات دفاع جنون بر اساس دلایل روشن و قانع‌کننده را برعهدۀ متهم گذاشت. البته این حکم، بعدها در کد ایالات

48. Psychiatric or Psychological Examination

۴۹. البته حسب مادۀ ۷۰۴ قواعد فدرال دلیل اثبات (Federal Rules of Evidence)، اظهار نظر کارشناس در امور کیفری، نباید حاوی نتیجۀ نهایی و مبین برخورداری یا عدم برخورداری متهم از وضعیت روانی یا شرطی باشد که عنصری از بزه انتسابی یا دفاع را تشکیل می‌دهد چراکه تشخیص و اعلام نظر قانونی در این امور، منحصراً در صلاحیت دادرس است: حسن محسنی، «بهرۀ کارشناسی در کاربست و نمایاندن دانش سودمند در اثبات (مطالعۀ تطبیقی در حقوق ایران، امریکا و فرانسه)، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲۶ (۱۴۰۱)، ص ۱۶۰.

50. Joel Samaha, *Criminal Law*, (United States of America: West Publishing Company, 5 Edition, 1999), p. 240.

51. John Hinckley

۵۲. گاستون استفانی، *آیین دادرسی کیفری*، ترجمۀ حسن دادبان، (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷)، ص۳۶۶.

53. Insanity Defense Reform Act

متحده وارد و در دادگاه‌های فدرال این کشور اجرا شد[۵۴].

نتیجه

در حقوق ایران پس از سال‌ها اجمال قوانین در این باب، مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با نگاهی به فقه و البته مشخصاً حقوق فرانسه، تعریفی از آن نوع اختلالات روانی که جنون محسوب می‌شوند ارائه داد. هرچند در حقوق فرانسه، با وجود ارائهٔ معیارهای شناسایی این دسته از اختلالات روانی که سبب بی‌اعتباری اعمال حقوقی یا رفع مسئولیت کیفری می‌شوند، قانون‌گذار، برخلاف حقوق ایران و امریکا، از استعمال عنوانی خاص برای این اختلالات پرهیز کرده است. در عین حال، در علم پزشکی، در کشورهای مورد بررسی، واژهٔ جنون، مانوس نیست و پزشکان، از عناوین و دسته‌بندهای خاص خود استفاده می‌کنند. به‌نظر می‌رسد به‌منظور اعمال دقت هرچه بیشتر در قضاوت، باید از تکیهٔ افراطی بر واژهٔ جنون و تعاریف انتزاعی آن در قوانین، دست کشید و بیشتر بر یافته‌های روز علم پزشکی تکیه کرد.

مطابق قاعدهٔ عمومی اثبات، اصولاً اثبات وقایع و امور موضوعی راجع به دعاوی، برعهدهٔ مدعی است. در مورد ادعای جنون، این امر حسب مورد، متوجهٔ خواهان، خوانده و یا متهم است. در این راستا، پیش‌بینی مقرراتی در قوانین مدنی و کیفری ایران و فرانسه که تکالیفی را برعهدهٔ مراجع قضایی در خصوص تحقیق و احراز جنون در دعاوی مربوط گذاشته‌اند، لزوماً بار اثبات را دگرگون نمی‌کند، بلکه دخالت مراجع یادشده، مبنایی دیگر دارد. با این وصف، برای وضوح موضوع و ختم اختلاف دیدگاه‌های موجود، بهتر بلکه ضروری است که قانون‌گذار ایران در قوانین مربوط، حکم این مسئله یعنی بار اثبات جنون و شرایط و ضوابط آن را به‌طور صریح و کامل مقرر کند؛ امری که سال‌هاست در حقوق امریکا و تا حد زیادی در حقوق فرانسه روی داده و به‌ویژه در امور کیفری، تکلیف اثبات جنون را برعهدهٔ متهم گذاشته‌اند و نقش مقام قضایی را در جهت مقابل، یعنی در نقض این طریق دفاعیِ متهم دانسته‌اند. هرچند در پاره‌ای شرایط خاص مندرج در همان منابع حقوقی و طبعاً بنابر مبانی و مصالح خاص ناظر به مورد، گاهی و به‌طور استثنایی بار اثبات جنون برعهدهٔ مقام قضایی قرار گرفته است.

54. American Academy of Psychiatry and the Law, Practice Guidline for Forensic Psychiatry Evaluation of Defendants Raising the Insanity Defense, The Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law, 2014, p. 3.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

۱. آشوری، محمد (۱۳۷۱). ***آیین دادرسی کیفری***. جلد ۲. تهران: سمت.

۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). ***حقوق جزای عمومی***. جلد ۲. تهران: میزان.

۳. استفانی، گاستون (۱۳۷۷). ***آیین دادرسی کیفری***. ترجمهٔ حسن دادبان. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۴. انصاری، باقر (۱۳۸۷). ***نقش قاضی در تحول نظام حقوقی***. تهران: میزان.

۵. صابری، سید مهدی (۱۳۹۴). ***قانون و روانپزشکی***. تهران: مرکز تحقیقات پزشکی قانونی کشور.

۶. ***فرهنگ انجمن روانشناسی امریکا*** (۱۳۹۱). ترجمهٔ گروهی از مترجمان. جلد ۱. تهران: ارس.

مقالات

۷. رحمدل، منصور (۱۳۸۶). قانون اساسی و بار اثبات در امور کیفری. ***حقوق اساسی***، (۸)، ۱۰۱-۱۲۲.

۸. محسنی، حسن (۱۴۰۱). بهرهٔ کارشناسی در کاربست و نمایاندن دانش سودمند در اثبات (مطالعهٔ تطبیقی در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه). ***مطالعات حقوق تطبیقی معاصر***، ۱۳(۲۶)، ۱۵۳-۱۸۱. Doi:10.22034/law.2021.46266.2915

ب) منابع عربی

کتاب‌ها

۹. جبعی العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰). ***الروضه البهیه***. جلد ۵. قم: کتابفروشی داوری.

۱۰. جبعی العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳). ***مسالک الافهام***. جلد ۸. قم: مؤسسهٔ المعارف الاسلامیه.

۱۱. حلی (علامه)، حسن‌بن یوسف‌بن مطهر (۱۴۲۰). ***تحریر الاحکام***. قم: مؤسسهٔ الصادق.

۱۲. سیوری، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴). ***التنقیح الرائع***. جلد ۳. قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی.

۱۳. طوسی، محمدبن الحسن علی (۱۴۰۰). ***النهایه***. بیروت: دار الکتب العربی.

۱۴. کرکی (محقق ثانی)، نورالدین علی‌بن حسین عبدالعالی (۱۴۱۴). ***جامع المقاصد***. جلد ۱۳. قم: مؤسسهٔ آل البیت.

۱۵. نراقی، احمدبن محمدمهدی فاضل (۱۴۱۷). ***عواید الایام***. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ج) منابع انگلیسی

Books

16. American Academy of Psychiatry and the Law, (2014). ***Practice Guidline for Forensic Psychiatry Evaluation of Defendants Raising the Insanity Defense***. The Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law, V 42.

17. Campbell Black, Henri (2018). ***Blacks Law Dictionary***. 12th Edition. New York: Thomson Reuters.

18. American Psychiatric Associations (2013). ***Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders***. 5th Edition (DSM-5).

19. Samaha, Joel (1999). ***Criminal Law***. 5th Edition, United States of America: West publishing Company.

Assertation

20. Elizabeth Cotrone, Erin (2016). ***The Guilty But Mntally Ill Verdict: Assessing the Impact of Informing Jurors of Verdict Consequenc***. A Dissertation for the Degree of Ph.D, College of Behavioral and Community Sciences. University of South Florida

Websites (Laws)

21. ***Federal Rules of Criminal Procedure*** (Approved 1946, Amended 2023). https://www.uscourts.gov

د) منابع فرانسوی

Codes

22. ***Code Civil Francaise***, Droit. Org. Institut Francais D'information Juridique, 2025.

23. ***Code Penal Francaise***, Droit. Org. Institut Francais D'information Juridique, 2025.

24. ***Code de Procedure Penal Francaise***, Droit. Org. Institut Francais D'information Juridique, 2025.

25. ***Code de Procedure Civil Francaise***, Droit. Org. Institut Francais D'information Juridique, 2025.

Livres

26. Solus, Henri et Perrot, Roger (1991). Droit Judiciare Privé, Tome 3, Procedure de Premiere Instance, Paris: Sirey.

27. ***Lexique de Termes Juridiques*** (2014). Sous la Direction de Serge Guinchard, Paris: Dalloz.

28. ***Vocabulaire Juridique*** (1996). Sous la Direction de Gerard Cornu, Paris: Press Universitaires de France.

ه) منابع آلمانی

Websites (Gesetze)

1. ***Bürgerliches Gesetzbuch*** (BGB), https://www.gesetze-im-internet.de/-stgb.

2. ***Strafgesetzbuch*** (StGB), https://www.gesetze-im-internet.de/stgb.